نقدی بر ترجمه آقای خرمشاهی

از سوره مریم

نوشته:

سید حسام الدّین حسینی

مقدمه:

در این تحقیق سعی شده است براساس ادبیات عرب و ادب فارسی و تفاسیر قرآن ترجمه آقای خرمشاهی از سوره مریم مورد نقد و بررسی قرار گیرد و ترجمه‌ای که نویسنده برتر می‌داند در مقابل ترجمه ایشان ارائه نماید.

شیوه تحقیق بدین گونه است که ابتدا متن آیات مورد نظر نوشته می شود سپس ترجمه آقای خرمشاهی و پس از آن ترجمه نویسنده در پی آن نوشته خواهد شد سپس نویسنده ضمن نقد و بررسی ترجمه آقای خرمشاهی به بیان دلایل ترجیح ترجمه خود بر ترجمه آقای خرمشاهی می‌پردازد. لازم به ذکر است با تطبیقی که میان ترجمه آقای خرمشاهی با کتاب ترجمه (تفسیر) بیان‌السعاده فی مقامات‌العباد، نوشته آقایان رضاخانی و حشمت‌الله ریاضی. انتشارات دانشگاه پیام نور (سال ۱۳۷۲) صورت گرفت معلوم شد که ترجمه ایشان طابق‌النّعل بالنّعل همان ترجمه کتاب بیان‌السعاده فی مقامات العباده است. والله اعلم.

بسم الله الرحمن الرحیم

آیه ۲: ذِکْرُ رَحَمتِ رَبِّکَ عَبْدَهُ زَکریّا

ترجمه آقای خرمشاهی: این بیان رحمت پروردگارت در حق بنده‌اش زکریا است.

ترجمه حسینی: (این) یادی است از رحمت پروردگارت بر بنده‌اش زکریا.

ترجمه آقای خرمشاهی نارسا است زیرا:چون خداوند(ذکر) را در ابتدای جمله آورده و (هذا) را حذف نموده چون خداوند ذکر را در ابتدای جمله آورده و شایسته است روی (ذکر) تاکید شود، لذا آوردن (است) پس از (یاد)این معنی تاکیدی را دربردارد به خلاف کلمه (بیان) که این معنی را نمی‌رساند. در ترجمه، آقای فولادوند (این یادی از رحمت پروردگار تو (درباره) بنده‌اش زکریاست) نیز کلمه (است)در آخر آمده است و این جنبه تاکیدی را در بر ندارد

آیه۳: اِذْ نادی رَبَّهُ نداءً خفیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: «چنین بود که به ندایی خاموش پروردگارش را به دعا خواند»

ترجمه حسینی: آنگاه که پنهانی پروردگار خود را فراخواند.

این ترجمه از ترجمه فوق مناسب‌تر به نظر می‌رسد زیرا :

۱- چنین بود، معنای «کذلک» می‌باشد نه معنای اِذْ

۲-ندایی خاموش معنای دقیق «نداءً خفیّاً» نیست. زیرا با توجه به شرایط نگران‌کننده زکریا که در آیات بعد ذکر می‌شود و همه حاکی از ضعف او در برابرخویشانش دارد معنای «پنهانی» برای «خفیّاً» رساتر و دقیق‌تر است البته آقای فولادوند (آنگاه پروردگارش را آهسته ندا کرد) معنی کرده‌اند که پنهانی، رساتر از آن. است ۳- (فراخواند) از (به دعا خواند) در بیان حالت ضعف و کهولت و استغاثه زکریا رساتر است.

آیه۴: قال رَبِّ اِنّی وَهَنَ‌العظمُ منّی وَ اشْتَعَلَ الرَّاسُ شیباً وَ لَمْ اَکُنْ بِدُعاءِ کَ رَبِّ شَقیّاً

ترجمه، آقای خرمشاهی: گفت پروردگارا استخوانم سستی گرفته و برف پیری بر سرم نشسته است و پروردگارا هرگز در دعای تو سخت‌دل نبوده‌ام

ترجمه حسینی: (او) گفت پروردگارم، استخوانم، بسی سستی گرفته و سرم از پیری سپید گشته وای پروردگارم من در دعا به درگاه تو آهن دل نبوده‌ام (تا از رحمتت بی‌بهره بمانم)

*در ترجمه ربّ درست‌تر آن است که پروردگارم معنی شود نه پروردگارا. زیرا اولاً: ربّ مخفف ربّی است که یاء آن حذف شده است. ثانیاً: کلمه پروردگارم، نشانگر قرابت و انس بنده با خدایش است که در ترجمه (پروردگارا) این معنی ضعیف‌تر است.

*در معنی: انی و هن العظم منی: اگر (استخوانم بسی‌سستی گرفته) معنی شود رساتر است زیرا این جمله با اِنَّ تاکید شده و این تاکید در ترجمه باید منعکس شود. در دو مورد فوق، آقای فولادوند شبیه آقای خرمشاهی ترجمه کرده‌اند: «گفت پروردگارا، من استخوانم سست گردیده.»

*در معنی: وَ اشْتَعَلَ الرَّأسُ شیباً: معنا و ترجمه آقای فولادوند درست‌تر از ترجمه آقای خرمشاهی به نظر می‌رسد. لذا، نویسنده ترجمه ایشان را برگزید ایشان گفته‌اند (و موی سرم از پیری سپید گشته) زیرا (اِشْتَعَلَ) فعل لازم است و سر باید از پیری سفید شود نه اینکه برف پیری بر آن بنشیند و سر، مفعول در نظر گرفته شود، ضمن آنکه در بیان شدت پیری این جمله رساتر از جمله آقای خرمشاهی است همچنین اشتعال کنایه از گسترش تدریجی آتش است و جمله (برف پیری بر سرم نشسته است) این تدریج را نمی‌رساند.

*در معنی : وَلَمْ اَکُنْ بدعاءِکَ ربِّ شَقیاً، ترجمه آقای خرمشاهی، مناسب‌تر از ترجمه آقای فولادوند است زیرا آقای فولادوند فرموده‌اند: (هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام.) و با توجه به کلمه شقیاً که در آخر آیه آمده است معنای هرگز سخت دل نبوده‌ام رساتر از (هرگز نامید نبوده‌ام)می‌باشد زیرا شقیّ

صفت مشبّهه است و حاکی از وجود صفتی مستمر در انسان است و آنچه موجب ناامیدی می‌شود ارتکاب خطاهاست که نهایت آن شقاوت است، در واقع آنچه که موجب مستجاب نشدن دعا می‌گردد شقاوت است نه ناامیدی. لذا اینجانب ترجمه آقای خرمشاهی را برگزیده‌ام با اندکی اضافات.

آیه۵: وَ اِنّی خفتُ الموالی مِنْ ورائی و کانتِ امرأتی عاقراً فَهَبْ لی من لدنکَ ولیاً

ترجمه آقای خرمشاهی: و من پس از مرگ[1] خویش، از وارثان بیمناکم، و همسرم نازا است پس از پیشگاه خود به من وارثی عطا فرما

ترجمه حسینی: و من پس از خود از خویشانم بسیار بیمناکم (و در هراس) و زنم ناز است. پس خودت جانشینی به من ببخشای در ترجمه آقای خرمشاهی کلمه «وارثان» ذکر شده است که مناسب نیست زیرا آیه شریفه در جهت بیان وضعیت نگران‌کننده زکریا است لذا اگر این وضعیت بطور مبهم و اجمالی بیان شود این معنی بلیغ‌تر خواهد بود تا آنکه به مساله اشاره شود. و مشخصاً آنرا بیان دارد مثلاً اگر کسی در شرایط ناگواری بسر برد برای بیان و تفهیم آن شرایط به کار بردن جمله: «در شرایط ناگواری بسر می‌برم» بسیار بلیغ‌تر از جمله «بدلیل فقر در شرایط ناگواری بسر می‌برم» می‌باشد.

نکته دیگر اینکه بدلیل وجود حرف اِنّ که از ادات تاکید است بهتر است کلمه (بسیار) قبل از (بیمناکم) اضافه شود تا معنای تاکیدی اِنَّ در ترجمه هویدا و مشهود شود.

در رابطه با ترجمه (فَهَبْ لی من لدنک ولیاً) باید گفت که از آنجا که زکریا در اوج گرفتاری و مشکلات است باید سخنش بگونه‌ای ترجمه شود که در انتقال این معنی رساتر باشد لذا بجای ترجمه آقای خرمشاهی که فرموده‌اند «پس از پیشگاه خود به من وارثی عطا فرما» این ترجمه رساتر است (پس خودت

[1] – لفظ مرگ در اینجا اضافی است زیرا آوردن جمله (پس از خود از خویشانم بیمناکم) در بیان شدت نگرانی زکریا رساتر از تصریح به کلمه مرگ است

و شرایط سخت زکریا را بهترتوصیف می‌کند.

جانشینی به من ببخشای) که از فصاحت و بلاغت لازم برخوردار است و درماندگی زکریا را بهتر نشان می‌دهدو به خواننده منتقل می کند. همچنین ارتباط نزدیک زکریا با خداوند را نشان می‌دهد که از واژهٔ خودت استفاده کرده است زیرا کسی جز خدا نمی‌تواند مشکل زکریا را حل کند. آنچه که این سخن را تقویت می‌بخشد آن است که جمله «فَهَبْ لی مِنْ لُدنکَ وَلیّاً» جواب جمله شرط مقدر (ان کان هذا حالی) است. و به همین دلیل باید نشانگر اوج ناتوانی او در خواست باشد.

یعنی ای خدای من جز تو کسی را ندارم که یاری‌ام رساند، حال که چنین است خودت یاری‌ام رسان.

آیه۶: یَرِثُنی و یَرِثُ مِنْ آل یعقوبَ و اجْعَلْهُ رَبِّ رَضّیاً

ترجمه خرمشاهی: که هم وارث من باشد و هم وارث آل یعقوب و پروردگارا او را مقبول بگردان.

ترجمه حسینی: تا وارث (شایسته) من و خاندان یعقوب باشد و ای پروردگارم یحیی را پسندیده (درگاه خود) گردان.

در ترجمه آقای خرمشاهی ترجمه لفظ به لفظ صورت گرفته است یعنی همچنانکه در آیه شریفه ۲ بار به مساله وراثت فرزند زکریا اشاره شده در ترجمه آقای خرمشاهی نیز همین امر عیناً آمده است در حالیکه علت تکرار مساله وراثت تاکید و اهمیت دادن به مساله وراثت و درخواست شایستگی برای یحیی در وراثت از زکریا و آل‌یعقوب است. لذا اگر در ترجمه جمله (وارث شایسته من و خاندان یعقوب باشد) آورده شود جمله روان‌تر و رساتر است در قسمت آخر آیه (وَ اجْعَلْهُ رّبِّ رضیّاً) بجای ترجمه (پروردگارا او را مقبول بگردان) اگر این ترجمه:(و ای پروردگارم او را پسندیده درگاه خود گردان) ارائه شود دقیق‌تر و رساتر است زیرا:

اولاً: در ترجمه ربّ همچنانکه قبلاً گفته شد، رب در اصل ربّی بوده است که یاء ضمیر آن حذف شده بنابراین ترجمه آن به «پروردگارم» صحیح‌تر از «پروردگارا» می‌باشد. و از طرفی انس و قرابت بنده با خدایش را می‌رساند.

ثانیاً: کله «رضیّاً» صفت مشبهه است بنابراین ترجمه (پسندیده) برای آن شایسته‌تر است تا ترجمه (مقبول بگردان.)

ثالثاً: آوردن جمله وَاجْعَلْهُ به معنی واگذار کردن کار به خداوند است پس بهتر آن است که رضیّ (پسندیده) بودن یحیی (فرزند زکریا) توسط خداوند صورت گیرد و برای انتقال این معنی بهتر آن است که بجای جمله «او را مقبول بگردان» این ترجمه ارائه گردد: (او را پسندیده درگاه خود گردان) تا همه چیز منتسب به خداوند شود. ضمن اینکه منظور از رضیاً رضایت الهی است پس باید ترجمه، این معنی را در برداشته باشد. در حالیکه کلمه مقبول معنایی عام دارد که هم شامل خدا و هم خلق می‌شود. و در (مقبول بگردان) نوعی تحمیل به مردم وجود دارد، که مردم باید او را قبول نمایند.

آیه ۷: یا زکریا انا نُبَشِّرکَ بغلامٍ اسْمُهُ یحیی لَمْ نَجْعَل لَهُ مِنْ قبلُ سَمیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: (فرمود) ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است و تاکنون همنامی برایش قرار نداده‌ایم مژده می‌دهیم.

ترجمه حسینی: (خداوند فرمود) ای زکریا ما تو را به پسری به نام یحیی مژده می‌دهیم که نامش را تاکنون بر کسی ننهاده‌ایم.

ترجمه آقای خرمشاهی ترجمه مناسبی است اما نویسنده ترجمه خود را بر ترجمه ایشان ترجیح می‌دهد زیرا آن را به متن آیه نزدیکتر می‌داند و فخامت آنرا بیشتر می‌داند و قدرت‌نمایی خداوند جلوه بیشتری

دارد زیرا تعبیر بر کسی ننهاده‌ایم، قدرت نمایی خداوند را بیشتر نشان می‌دهد. البته قضاوت آن با خواننـده است.

آیه۸: قالَ ربِّ اَنیّ یکُونُ لی غلامٌ وَ کانَتِ امْرَاَتی عاقِراً و قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْکِبَرِ عتّیاً

ترجمه آقای خرمشاهی: گفت پروردگارا چگونه مرا پسری باشد حال آن که همسرم نازا است و خود نیز از پیری به فرتوتی و فرسودگی رسیده‌ام.

ترجمه حسینی: (زکریا) گفت: پروردگارم چگونه مرا پسری باشد حال آنکه زنم نازا است و خود نیز از فرط پیری فرسوده و درمانده شده‌ام.

ترجمه آقای خرمشاهی مناسب است جز اینکه (عتیّاً)شدت فرسودگی را می‌رساند لذا معنای فرسوده و درمانده رساتر است.

آیه۹: قال کَذلِکَ قالَ رَبُّکَ هوَ علیَّ هَیِّنٌ وَ قَدْ خلقتکَ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ تَکُ شیئاً

ترجمه: آقای خرمشاهی: (فرشته) گفت: این چنین است، پروردگارت فرموده است آن (کار) بر من آسان است، و خودت را پیشتر آفریده‌ایم حال آنکه چیزی نبودی.

ترجمه حسینی: فرشته گفت: (فرمان) چنین است، پروردگارت فرموده آن (کار) بر من آسان است زیرا پیش از آن ترا از هیچ آفریدم.

لازم به ذکر است که خلقت به معنی (آفریدم است) نه (آفریده‌ایم) و معنای آفریدم رساتر است زیرا خداوند فعل را به شخص خود نسبت می‌دهد تا دل زکریا آرام گیرد لذا ترجمه آفریده‌ایم که مشارکت دیگران را نیز می‌رساند این مفهوم را ضعیف‌تر می‌رساند زیرا در مشارکت دیگران اعتماد کمتر می‌شود.

مزیت ترجمه اینجانب بر ترجمه آقای خرمشاهی مختصرتر بودن آن و به جهت سبک و سیاق آیات، نسبت دادن «کذلک» به خداوند است، که در ترجمه آقای خرمشاهی به فرشته نسبت داده شده است

آیه۱۰: قالَ ربِّ اجْعَلْ لی آیهً قال آیَتُکَ اَلاّ تُکَلِّمَ النّاس ثلاث لیالٍ سویاً

ترجمه آقای خرمشاهی: گفت: پروردگارا برای من نشانه‌ای قرار بده، فرمود: نشانه تو این است که سه شب و سه روز در عین سلامت، با مردم نتوانی سخن گفت.

ترجمه حسینی: (زکریا) گفت: پروردگارم نشانه‌ای برایم قرار ده، فرمود: نشانه تو آن است که نمی‌توانی سه‌شبانه روز با مردم سخن بگویی.

تنها نکته‌ای که به نظر می‌رسد آن است که نیاز به آوردن جمله (در عین سلامت) در ترجمه (سویّاً) نیست زیرا جمله (نمی‌توانی با مردم سخن بگویی.) این معنی را می‌رساند.

آیه۱۱: فَخَرَجَ علی قَومِهِ مِنَ المحرابِ فَاوحی اِلَیهم اَنْ سَبِّحوا بُکَرهً و عَشّیاً

ترجمه آقای خرمشاهی: (زکریا) از محراب به نزد قومش بیرون آمد و به آنان اشاره کرد که بامدادان و شامگاه (او را)نیایش کنید.

ترجمه حسینی: سپس (زکریا) از محراب به قومش برآمد و به آنها اشاره وار گفت: که خدارا بامدادان و شامگاهان نیایش کنید.

نکته‌ای که در ترجمه اینجانب وجود دارد ترجمه «خَرَجَ علَی» است که در اینجا «برآمد» رساتر از «بیرون آمد» می‌باشد. زیرا زکریا می‌خواهد موفقیت خود را نشان دهد.

نکته دیگر اینکه در ترجمه «فا وحی‌الیهم» ترجمه(به آنها اشاره‌وار گفت) فصیح‌تر و بلیغ‌تر از به آنان اشاره کرد می‌باشد زیرا زکریا نمی‌توانسته سخن بگوید پس منظورش را باید با زبان اشاره القاء نماید.

نکته دیگر اینکه (خدا را) باید بر بامدادان و شامگاهان مقدّم آورده شود و مرجع ضمیر مشخص باشد بنابراین (خدا را) بر (او را) تقدّم دارد.

البته در اینجا نیز ترجمه آقای خرمشاهی بر ترجمه آقای فولادوند برتری دارد زیرا، آقای فولادوند در ترجمه این قسمت فرموده‌اند (ایشان را آگاه گردانید). و این نوع ترجمه نمی‌تواند حالت و شرایط زکریا را به نحو مطلوب به مخاطب منتقل نماید چون آگاه کردن از هر طریقی می‌تواند صورت گیرد در حالیکه خداوند در این آیه می‌خواهد قدرت خود را به مردم نشان دهد و معجزهٔ خویش را به آنها نشان دهد و این امر جز با ناتوانی زکریا از سخن گفتن در عین صحت و سلامت و اشاره‌وار سخن گفتن، حاصل نمی‌شود.

آیه ۱۲: یا یحیی خُذِ الکتابَ بِقُوّهٍ وَ آتَیناهُ الحکمَ صَبیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: (گفتیم) ای یحیی کتاب آسمانی را به جدّ و جهد بگیر، و به او در عهد صباوت حکمت (نبوت) بخشیدیم.

ترجمه حسینی: ای یحیی با تمام توان کتاب خدا را در اختیار بگیر، و ما در کودکی به او حکمت و دانش را بخشیدیم.

در ترجمه قسمت اول آیه آقای خرمشاهی «قوه» را به جدّ و جهد معنی کرده‌اند که الفاظی عربی هستند و ما چون در فارسی می‌توانیم معادل مناسبی برای آن پیدا کنیم، لازم نیست اینگونه ترجمه‌ای را ارائه نمائیم لذا ترجمه «با تمام توان کتاب خدا را در اختیار بگیر» مناسب‌تر و رساتر در انتقال معنی است.

در قسمت دوم با اینکه در فارسی برای کلمه صبیّ معادل کودک را داریم اما ایشان صبیّاً را عهد صباوت معنی کرده‌اند.

نکته دیگر ترجمه کلمه «حُکْم» است که ایشان منظور از حکم را نبوت دانسته‌اند در حالی که علامه طباطبائی قدس سره در تفسیر گران سنگ المیزان این معنی را ردّ نموده‌اند و اینگونه استدلال کرده‌اند که[1]:

با توجه به آیه: و لقد آتینا بنی‌اسرائیل الکتاب و الحکم و النبّوه (جاثیه/۱۶) و آیه:اولئک الذینَ آتینا هم الکتابَ و الحُکْم و النّبوّه (انعام/۸۹) و آیات دیگر فهمیده می‌شود که حکم غیر از نبوت است و تفسیر حکم به نبوت شایسته نیست (زیرا در آیات مذکور حکمت را از نبوت جدا نموده است.)

لذا با توجه به آیات: یتلوا علیهم آیاته و یعلمهم الکتاب و الحکمه ویزکیهم (بقره/ ۱۲۹) و «یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه (جمعه/۲) فهمیده می‌شود که حکمت، معارف حقّه‌الهیّه و کشف و کنار زدن پرده‌های عالم غیب و پی بردن به حقیقت عالم هستی است که افراد عادی از آن بی‌خبرند بنابراین منظور از حکم، معارف حقیقی الهی است.

آیه۱۳: وَ حَناناً مِنْ لَدُنّا وَ زَکوهً وَ کانَ تقیاً

ترجمه آقای خرمشاهی: و از سوی خویش بر او رحمت آوردیم و پاکیزه‌اش داشتیم و او پرهیزکار بود.

ترجمه حسینی: و از پیشگاه خود بر او رحمت آوردیم و پاکیزه‌اش داشتیم و او پرهیزگار بود.

ترجمه آقای خرمشاهی ترجمه مناسبی است و بر ترجمه آقای فولادوند (و (نیز) از جانب خود، مهربانی و پاکی (به او دادیم) و تقوا پیشه بود.) برتری دارد زیرا اعطای رحمت و پاکی امری مستمر و متصل به ارادهٔ الهی است بنابراین ترجمه باید بگونه‌ای باشد که نشانگران این‌معنی باشد که همه چیز به ارادهٔ قدرتمندانه خداوند ختم می‌شود و برای بیان این معنی ترجمه آقای خرمشاهی رساتر است. تنها اشکالی که ترجمه آقای خرمشاهی دارد این است که برای انتقال مفاهیم فوق در ترجمه کلمه «من لدنّا» مناسب تر آن بود

[1] تفسیر المیزان، علامه طباطبایي،جلد ۱۴ صفحه ۱۹

که بجای «از سوی خویش» ترجمه «از پیشگاه خود» ارائه می‌شد. زیرا مقام، مقامِ اظهار قدرت و بیانِ: سُبْحانَ الَّذی بِیَدهِ کُلَّ شَیءٍ است

آیه ۱۴: وَ برّاً بوالِدَیْهِ وَ لَمْ یَکُنْ جَبَّاراً عصیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: و در حق پدر و مادرش نیکوکار بود و زورگوی سرکش نبود

ترجمه حسینی: و به پدر و مادرش نیکوکار بود، و زورگویی نابفرمان نبود.

ترجمه آقای خرمشاهی ترجمه مناسبی است اما با اندکی تغییرات می‌تواند جمله زیباتر شود مانند ترجمه‌ای که آقای فولادوند از (جَبّاراً عصیّاً) نموده‌اند: «و زورگویی نابفرمان نبود» ضمن اینکه جباراً نکره است و باید به شکل نکره معنی شود.

آیه ۱۵: و سلامٌ علیه یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ یموت ویوم یُبْعَثُ حیّاً.

ترجمه آقای خرمشاهی: و بر او در روزی که زاد، و روزی که در می‌گذرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود، درود باد.

ترجمه حسینی: و درود و سلام بر او باد، در روزی که زاد، و روزی که در می‌گذرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

ترجمه آقای خرمشاهی بسیار مناسب است تنها نکته‌ای که قابل ذکر است این است که اگر درود سلام در ابتدای جمله‌آورده شود مناسب‌تر است زیرا تاکید جمله بر درود فرستادن بر یحیی در تمامی احوال دنیوی و اخروی است.

آیه۱۶: وَ اذْکُرّ فِی الْکِتابِ مَرْیَمَ اِذِانْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِها مکاناً شرقیاً

ترجمه خرمشاهی: و در کتاب آسمانی از مریم یاد کن آنگاه که از خاندان خویش، در گوشه ای شرقی کناره گرفت.

ترجمه حسینی: و در این کتاب از مریم یاد کن. آنگاه که از خاندان خویش به جایگاهی در شرق (مسجد) کناره جست.

۱- بدلیل معرفه بودن کلمه کتاب ترجمه «این کتاب» رساتر و درست‌تر از کتاب آسمانی است.

۲- در ترجمه کلمه (مکاناً شرقیّاً) به جای گوشه‌ای شرقی مناسب‌تر آن است که (جایگاهی در شرق (مسجد)) معنی شود زیرا گوشه معادل مکان نیست، و گرچه گوشه شرقی با کناره‌گیری مریم سازگار تر است اما چون این مکان مسجد و محل عبادت است و ظاهراً محلّی خاصّ برای عبادت بوده معنی جایگاه مناسب‌تر است.

آیه ۱۷: فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِم حجاباً فَاَرسَلْنا اِلَیْها روُحنا فَتَمثَّلَ لَها بَشَراً سَویّاً.

ترجمه آقای خرمشاهی: و از آنان پنهان شد، آنگاه روح خویش (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم که به صورت انسانی معتدل به دیده او درآمد.

ترجمه حسینی: سپس میان خود و آنان پرده ای انداخت، آنگاه روح خویش (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم که همچون انسانی خوش اندام به دیده او در آمد.

در ترجمه (فاتّخذت من دونهم حجاباً) تعبیر (از آنان پنهان شد) نارسا است زیرا پنهان شدن ممکن است به علل زیادی صورت گیرد و با گوشه‌گیری برای عبادت متفاوت است بنابراین برای عبارت تعبیر پنهان شدن نارسا است. زیرا این عبادت مخفیانه نبوده است بلکه به سبب خلوت گزیدن با پروردگار بوده است بر همین اساس ترجمه آقای مجتبوی مناسب‌تر است که فرموده‌اند (سپس میان خود و آنان پرده‌ای انداخت) در ترجمه (بشراً سویّاً) ترجمه انسانِ معتدل چندان رسا نیست، پس بهتر آن است که انسان خوش اندام معنی شود. در بقیه موارد ترجمه آقای خرمشاهی بسیار متناسب است.

۱۹-قالَ اِنّما اَنا رَسُولُ رَبِّکِ لِاَهَبَ لَکِ غُلاماً زکیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: گفت من فقط فرستاده پروردگارت هستم، تا به تو پسری پاکیزه ببخشم.

ترجمه حسینی: (جبرئیل گفت): من تنها، پیام‌آوری از سوی پروردگارت هستم که آمده‌ام تا به تو پسری پاک بخشم.

در ترجمه اِنّما: معنی «تنها پیام‌آوری» مناسب‌تر از «فقط فرستاده» می‌باشد. زیرا اولاً: به زبان فارسی نزدیکتر است و ثانیاً: در بیان معنای آیه رساتر است ثالثاً اینکه در ترجمه آقای خرمشاهی اتصال معنایی قسمت اول آیه و قسمت دوم آن تا حدودی قطع شده است که با آوردن دو کلمه «که آمده‌ام» این نقیصه برطرف می‌شود

۲۰-قالت اَنّی یکونُ لی غلامٌ وَلَمْ یَمْسَسنی بَشَرٌ وَلَمْ اَکُ بغیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: (مریم) گفت چگونه مرا پسری باشد حال آنکه هیچ بشری به من دست نزده است و من پلید کار نبوده‌ام

ترجمه حسینی: مریم گفت چگونه مرا پسری باشد حال آنکه نه دست انسانی به من رسیده است و نه بدکاره بوده‌ام.

در ترجمه آقای خرمشاهی (بغیّاً) پلیدکار، معنا شده است که ترجمه مناسب آن بدکار یا بدکاره است زیرا در فارسی برای گناهی همانند زنا تعبیر بدکاره رایج‌تر است[۱]

۲۱-قال کذلِکِ قالَ ربُّکِ هو عَلیَّ هَیِّنٌ وَ لِنجعَلَهِ آیهً للناسِ و رحمهً مِنّا و کانَ امراً مقضّیاً

ترجمه آقای خرمشاهی: گفت همین است، پروردگارت فرموده آن کار بر من آسان است، تا او را پدیده شگرفی برای مردم قرار دهیم و رحمتی از ما باشد و کاری انجام یافتنی است.

[۱] رجوع شود به ترجمه: آیتي، تفسیر روض‌الجنان، فولادوند، مجتبوي، معزي، کشف‌الاسرار

ترجمه حسینی(فرشته) گفت: (خدای تو) اینچنین است، پروردگارت فرموده آن کار بر من آسان است تا نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از سوی ما باشد و آن امری قطعی است.

در ترجمه آیه بهتر آن است که بجای پدیده شگرف، نشانه معنی کنیم زیرا متن آیه این معنی را می‌فهماند و منظور خداوند از آفرینش عیسی (ع) بدون پدر بشری، ارائه نشانه‌ای مبنی بر نبوت اوست و اگر «آیه» در مواردی به معنی امر (شگفت‌انگیز) « در قرآن بکار رفته هم در جهت ارائه نشانه نبوت و اموری از این قبیل است نکته دیگر در ترجمه «وکانَ امراً مقضّیاً» است که امراً مقضّیاً به معنی کاری است که قطعیّت یافته است مانند آیه « و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر» امّا آقای خرمشاهی به معنی کاری که هنوز انجام نشده و در آینده انجام خواهد شد معنی کرده‌اند و فرموده‌اند: «و کاری انجام یافتنی است».

آیه ۲۳فَاجَاءَهَا المَخاضُ اِلی جِذْعِ النَّخلَهِ قالَتْ یا لَیْتَنی مِتّ قَبْلَ هذا و کُنْتُ نَسْیاً مَنْسِیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: آنگاه درد زایمان او را به پناه تنه درخت خرمایی کشانید، گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و از یاد رفته بودم و فراموش شده بودم

ترجمه آقای خرمشاهی بسیار مناسب است فقط در قسمت آخر در ترجمه (و کُنْتُ نسیاً منسْیاً)بهتر آن است که این ترجمه ارائه شود: (و یکسره (از صفحه گیتی) فراموش شده بودم.) زیرا وقتی جمله به صورت مفعول مطلق نوعی می‌آید تاکید شدید در انجام کاری دارد. همانند: اِذا زلزلتِ الارضُ زلزالَها

آیه۲۴- فَناداها مِنْ تَحتِها اَلاّ تَحْزَنی قَد جَعَلَ رَبُّکِ تَحْتَکِ سریّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: پس از فرو دست او،او ندا داد که اندوهگین مباش، پروردگارت از فرو دست تو جویباری روان کرده است.

ترجمه حسینی: پس از فرو دست او ندا در داد اندوهگین مباش که پروردگار تو از زیر پایت جویباری روان کرده است.

ترجمه فوق مناسب است و تنها اشکال آن ترجمه (تَحْتَکِ سریّاً) می‌باشد زیرا ایشان همان معنایی را که برای (مِنْ تَحتِها) ذکر کرده‌اند برای (تحتکِ) نیز آورده‌اند در حالیکه این دو اشاره به دو مکان جدا از یکدیگر هستند(من تحتها) اشاره به محل قرار گرفتن عیسی (ع) و [تحتکِ] اشاره به محل قرار گرفتن مریم (س) دارد بنابراین بهتر است بجای ترجمه: از فرو دست تو جویباری روان کرده است این ترجمه ارائه شود: از زیر پایت جویباری روان کرده است.

آیه ۳۰: قال انی عبدالله آتانی‌الکتابَ و جَعَلنی نبیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: گفت من بنده خداوندم که به من کتاب آسمانی داده است و مرا پیامبر گردانیده است.

ترجمه حسینی: گفت منم بنده خدا که به من کتاب آسمانی داده و مرا مقام پیامبری بخشیده است.

در ترجمه فوق مناسب‌تر آن است که به جای من بنده خداوندم : «منم بنده خدا» ذکر شود زیرا هم معنای تاکید اِنَّ را در بر دارد و هم نوعی تفاخر به بندگی خداوند و نفی پلید کار بودن مریم را در بر دارد. از طرفی نبیّاً به شکل نکره آمده است که این اشاره به عظمت و بزرگی مقام نبوت دارد که بهتر است در ترجمه لحاظ شود و گفته شود: مرا مقام پیامبری بخشیده است.

آیه ۳۱: وَجَعَلَنی مُبارکاً اَیْنَ ماکُنْتُ وَ اَوصانی بالصَّلوه و ا لزّکوه ما دُمْتُ حیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: و مرا هر جا که باشم مبارک گردانیده و مرا مادام که زنده باشم به نماز و زکات سفارش فرموده است

ترجمه حسینی: و هر جا که باشم خجسته‌ام گردانیده و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش فرموده.

در ترجمه فوق تکرار دوباره «مرا» مخلّ فصاحت است ۲- و به جای (مبارک گردانیده) اگر کلمه خجسته‌ام گردانیده قرار داده شود فصیح‌تر و با ترجمه فارسی متناسب‌تر است. ۳- به جای مادام که زنده باشم اگر عبارت (تا زنده‌ام) قرار داده شود هم کوتاه‌تر و هم مناسب‌تر و فصیح‌تر و بلیغ‌تر است.

آیه۳۳. و السّلامُ عَلَّی یَومَ وُلِدْتُّ وَ یَوَمَ اَموتُ وَ یَومَ اُبْعَثُ حیّاً.

ترجمه آقای خرمشاهی: و بر من در روزی که زادم و روزی که در گذرم و روزی که زنده برانگیخته شوم درود باد.

ترجمه حسینی: بر من درود باد آنروز که زاده شدم و آنروز که می‌میرم و آنروز که زنده برانگیخته شوم.

۱- از آنجا که آیه شریفه و با [والسّلام علیَّ] آغاز شده مناسب‌تر آن است که درود در ابتدای جمله آورده شود چرا که عیسی (ع) در مقام بیان و اثبات فضایل و مقامات خویش است و در جهت نفی بدکاری مادرش سخن می‌گوید.

۲- بجای (زادم) اگر (زاده شدم) گفته شودجمله رساتر و صحیح تر است.

۳- از آنجا که (یومَ) به (وُلدتُ) و(اَمْوتُ) و(اُبْعَثُ) اضافه شده است مناسب‌تر آن است که به آنروز ترجمه شود .

آیه ۳۴: ذلکَ عیسیَ بنُ مریم قولَ الحقّ الَّذی فیه یَمتَروُنَ.

ترجمه آقای خرمشاهی: آری این است عیسی‌بن مریم ، (این) سخن راست و درستی است که آنان در آن شکّ و شبهه دارند.

ترجمه حسینی: (آری) این است عیسی‌پسرمریم، حقیقتی که در آن تردید دارند.

۱-در قسمت اول ترجمه که عبارت است از جمله ((آری) این است عیسی‌بن مریم) بسیار مناسب و درست ترجمه شده است زیرا هم با ابتدای جمله قرار گرفتن «ذلک» تناسب دارد هم با فخامت کلام قرآن. البته اگر (عیسی پسر مریم) معنی می‌شد درست‌تر بود.

۲- در قسمت دوم منظور از «قول الحقّ» حقیقت وجودی حضرت عیسی (ع) است. بنابراین نیاز نیست آیه لفظ به لفظ ترجمه شود تا خواننده را در ابهام گذارد و جمله را طولانی نماید.

آیه ۳۵: ماکانَ لله اَنْ یتّخذ مِن وَلَدٍ سُبحانَهُ اِذا قضی امراً فَاِنَّما یَقُولُ لَهُ کَنْ فیکون

ترجمه آقای خرمشاهی: سزاوار نیست که خداوند فرزندی بر گیرد او منزّه است. آنگاه که کاری را مقرّر فرماید فقط به آن می‌گوید موجود شو، بی‌درنگ موجود می‌شود

ترجمه حسینی: خدا را نسزد که فرزندی برگزیند، او منزّه است، آن‌گاه که بخواهد کاری کند تنها کافی است که بگوید باش پس آن موجود می‌شود.

در ترجمه قسمت پایانی آیه جمله «آن گاه که کاری را مقرّر فرماید به آن می‌گوید موجود شو». اولاً این جمله، جمله‌ای طولانی است

ثانیاً: معنای دقیق آیه را که اظهار قدرت پروردگار در انجام هر کاری است، نمی‌رساند در حالیکه آیه در جهت نفی نیاز به فرزند و اثبات توانایی خداوند در انجام هر کاری است که بخواهد، پس لازم است ترجمه به گونه‌ای باشد که این معنی را منتقل نماید.

آیه ۳۶: وَ اِنَّ اللهَ ربّی و ربُّکم فَاعْبُدُوهُ هذا صراطٌ مستقیم

ترجمه آقای خرمشاهی: و خداوند پروردگار من و پروردگار شما است. پس او را بپرستید که این راه راست است.

ترجمه حسینی: و بی‌گمان خداوند پروردگار من و شماست پس او را بپرستید که این راه راست است.

در ترجمه فوق معنای تاکیدی اِنَّ وجود نداشت که با کلمه (بی‌گمان) این نقیصه برطرف شد.

آیه۳۹- وَ اَنْذِرهُمْ یوم الْحَسرهِ اِذْقُضِیَ الاَمُر وَ هُمْ فی غفلهٍ وَ هُمْ لایُوْمنونَ

ترجمه آقای خرمشاهی: و آنان را از روز حسرت بترسان. که امر (الهی) تحقق یابد و آنان غافل باشند و ایمان نیاورند.

ترجمه حسینی: و آنان را از روز حسرت بترسان، آنروز که کار سرانجام یافته و آنان در غفلت و بی‌ایمانی به سر می‌برند.

۱- معنای (اِذْ) در ترجمه، آقای خرمشاهی نیامده است و تنها اکتفاء به آوردن حرف «که» کرده‌اند در حالیکه در اینجا (اذ) به معنی آنگاه یا آن روز است.

۲- در معنای (قُضِیَ‌الامر) کار سرانجام یافته، صحیح‌تر به نظر می‌رسد، زیرا منظور از امر در اینجا فرمان نیست بلکه یک واقعه به نام قیامت است ضمن اینکه «تحقق یابد» معنی فعل لازم است نه فعل مجهول.

آیهٔ ۴۴: یا ابتِ لاتعبدِالشیطانَ اِنَّ الشیطانَ کانَ للرَّحمنِ عصّیاً.

ترجمه آقای خرمشاهی: پدر جان شیطان را مپرست که شیطان در برابر خداوند رحمان سرکش است.

ترجمه فوق مناسب است فقط معنای اِنَّ در آن لحاظ نشده است. لذا شایسته بود بجای سرکش است، (بسیار سرکش است). ترجمه می‌شد.

آیه۴۶: قال اَراغبٌ اَنتَ عن آلهتی یا ابراهیم لئَن لم تَنتَهِ لارجمنّک و اهجرنی‌ملیّاً:

ترجمه آقای خرمشاهی: گفت ای ابراهیم آیا از خدایان من روی بر می‌تابی؟ اگر دست برنداری سنگسارت می‌کنم و روزگاری دراز از من دور شو.

تنها ایراد ترجمه فوق آن است که بجای (و روزگاری دراز از من دور شو)باید ترجمه می‌شد (پس روزگاری دراز از من دور شو.)

جمله (واهجرنی ملیّاً) در حکم نتیجه کلام پدر ابراهیم است نه ادامه آن.

آیه۵۱: واذْکُرْ فی‌الکتاب موسی اِنّهُ کانَ مُخلَصاً وَ کانَ رسولاً نبیّاً.

ترجمه آقای خرمشاهی: و در کتاب آسمانی از موسی یاد کن که او اخلاص یافته و فرستاده‌ای پیامبر بود.

ترجمه حسینی: در این کتاب از موسی یادکن که او با همه وجود دل به خدا سپرده بود و فرستاده و خبر دهنده از جانب حق تعالی بود.

کلمه مخلصاً باید به گونه‌ای ترجمه شود که خواننده مقام اخلاص موسی را که از مقام مخلِص (اسم فاعل) عبور کرده بود و به مقام مخلَص (اسم مفعول) رسیده بود درک نماید، بنابراین ترجمه «با همه وجود دل به خدا سپرده بود» گر چه کمی طولانی است اما مناسب این مقام است.

آیه ۵۴: و اذکر فی‌الکتابِ اسماعیل اِنَّه کانَ صادق الوعد و کانَ رسولاً نبیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: و در کتاب آسمانی از اسماعیل یادکن که درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود.

ترجمه حسینی: و در (این) کتاب از اسماعیل یادکن که بسیار به وعده‌اش وفادار و فرستاده‌ای پیامبر بود.

در ترجمه «صادق‌الوعد» با توجه به حرف تاکید اِنَّ صحیح‌تر آن است که این تاکید در جمله منعکس شود و از طرفی ترجمه به گونه‌ای باشد که مفهوم (صادق‌الوعد) را به خواننده منتقل نماید لذا معنای (درست وعده) چندان رسا نیست. اما ترجمه: (بسیار به وعده‌اش وفادار) این مفهوم را بهتر می‌رساند.

آیه۵۷: وَرَفعناهُ مکاناً علیّاً

ترجمه خرمانشاهی: و او را بلند مرتبه گردانیدیم.

ترجمه حسینی: و او را به جایگاه والایی بالا بردیم.

در ترجمه آقای خرمشاهی اشکالی که وجود دارد این است که اشاره کرده است که ادریس پیامبر مکان والایی دارد در حالیکه منظور از این آیه عروج او به آسمان است نه بیان مقام ادریس.

آیه۵۹: فَخَلَفَ من بِعد هم خَلْفُ اَضاعُوا الصَّلوهً وَ اتّبعَوُا الشَّهواتِ فَسَوفَ یَلْقَونَ غیّاً

در ترجمه آیه فوق آقای خرمشاهی ترجمه مناسبی ارائه داده‌اند بجز در بخش پایانی آیه که در ترجمه (فَسَوفَ یلقونَ غیّاً) نوشته‌اند: زودا که با زیان و ذلت رو در رو شوند. که مناسبتر آن است در ترجمه «غیّاً» معنای عذاب را ارائه نمایند و بگویند: زودا که با عذاب الهی روبرو شوند و عاقبت گمراهی خویش را ببینند.

آیهٔ ۶۱: جنّات عدنٍ الّتی وَعَدَالرحمن بالغیب، اِنَّه کانَ وعده مَأْتیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: همان جنات عدن که خداوند رحمان به نادیده به بندگانش وعده داده است، همانا که وعدهٔ او وفا خواهد شد.

ترجمه حسینی: همان باغ‌های جاودانه و آماده‌ای که خداوند رحمان در جهان ناپیدا وعده داده است و وعده خداوند قطعی و شدنی است.

در ترجمه فوق مناسب‌تر آن است که (بالغیب) را به جهان ناپیدا معنی کنیم زیرا جهان نادیده کنایه از جهانی است که انسان تا ابد نتواند آنرا ببیند اما جهان ناپیدا یعنی جهانی که از چشم ما پنهان است. و چه

بسا بتوان با ابزاری از قبیل پاکی دل، آن جهان را مشاهده کرد: نکته دیگر، ترجمه (انـه کـان وعـده مأتیّـاً) است که تاکید چندانی ندارد لذا شایسته است اینگونه ترجمه شود (وعده خداوند قطعی و شدنی است) تـا معنای تاکیدی (اِنَّ) و (کانَ وعده ماتیّا) بخوبی منتقل شود

آیه ۶۲-لایسمعونَ فیها لغواً اِلا سلاماً وَ لَهُمْ رزقهم فیها بکرهً و عشیّاً

ترجمه آقای خرمشـاهی: در آنجـا هیچگونـه (سـخن) بیهـوده نشـنونده و جـز سـلام نشـنوند و بامـدادان و شامگاهان در آنجا رزقشان برای آنان برقرار است.

ترجمه حسینی: در آنجا هیچ گزافه‌ای را نشنوند و تنها سخنان آرامش بخش می‌شـنوند و در آن بهشـت‌هـا هر بامداد و شامگاهان روزی دارند.

در ترجمه‌ی آقای خرمشاهی ترجمه لفظ به لفظ صورت گرفته است که عبارت را نارسا می‌سازد، بنابراین برای معنای «سلاماً» بهتر آن است «سخنان آرامش بخش» آورده شـود ضـمن اینکـه در بخـش پایـانی آیـه ترجمه طولانی و لفظ به لفظی ارائه نموده‌اند که بهتر است این ترجمه ارائه شود: «در آن بهشتها هر بامـداد و شامگاه روزی دارند»

آیه ۷۳: وَ اذتُتلی علیهم آیاتُنا بینّاتٍ قالَ الذینَ کَفَروا لِلذّینَ آمَنُوا اَیُّ الفریقین خیرٌ مقاماً وَ اَحْسَنُ ندیّاً

ترجمه آقای خرمشاهی بسیار مناسب است: و چون آیات روشنگر ما بر آنان خوانده شود، کفر پیشگان بـه مومنان گوینده (باید دید) کدامیک از دو گروه (از ما یا شما) نیک مرتبه‌تر و مجلس آراتر است.

آیهٔ ۷۴: وکم اهلکنا قبلهم مِنْ قرنٍ هُمّ احسنُ اثاثاً و رویاً:

ترجمه آقای خرمشاهی بسیار مناسب است: و چه بسیار پیش از آنان نسل‌هایی را که خوش‌ساز و برگ‌تر و خوش‌نماتر بودند، نابود کردیم.

آیه ۷۵: قُلْ من کان فی‌الضَّلالَهِ فَلْیَمدُدْ له الرحمنِ مدّاً حتّی اذا رَأَوا ما یوعدونَ اِمَّا العذابَ وَ اِمَّاالسّاعَهَ فَسَیَعْلَموُنَ مَن هُوَ شرٌّ مَکاناً وَ اَضْعَفُ جُنداً.

ترجمه آقای خرمشاهی: بگو هر کس که گمراهی را برگزیند خداوند رحمان (از روی استدراج) به او افزونی بخشد تا آنچه به ایشان وعده دادند چه عذاب (الهی) و چه قیامت بینند، خواهند دانست که چه کسی بدمنصب‌تر و سست‌نیروتر است.

ترجمه حسینی: بگو هر که در گمراهی است خداوند رحمان (از روی استدراج) به او افزونی بخشد تا آنچه به ایشان وعده داده شد. چه عذاب الهی و چه قیامت ببیند. پس بزودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است.

۱- در ترجمه آیه فوق مناسب‌تر آن است که بجای برگزیدن گمراهی ترجمه‌ای ارائه شود که با متن آیه سازگارتر باشد و آن(در گمراهی بسر بردن) است که معنای (من کان فی‌الضلالهّ) که کنایه از شدت گمراهی می‌باشد.

۲-در بخش پایانی آیه فسیعلمون... ترجمه آقای خرمشاهی رسا نیست زیرا معنی (شرٌّ مکاناً) منصب و مقام نیست بلکه منظور جایگاه در قیامت است، از طرف دیگر معنای (اَضْعَفُ جنداً)(سست نیروتر) نیست زیرا این آیه در مورد خود شخص به تنهایی صحبت نمی‌کند بلکه در مورد افراد گمراهی که به بواسطه خدم

و حشم فراوان به گمراهی رفته‌اند سخن می‌گوید و در روز قیامت معلوم می‌شود که این خدم خشم‌ها همگی پوچ و بی‌فایده بوده‌اند پس معنای (سپاهش ناتوان‌تر است)، مناسب‌تر است.

آیه ۷۸: اِطَّلَع الْغَیبَ اَمِ اتَّخَذَ عندَالرَّحمن عهداً:

ترجمه آقای خرمشاهی: آیا برغیب آگاه شد یا از خدای رحمان عهدی گرفته است؟

ترجمه حسینی: آیا برعالم غیب آگاه شده یا با خدا هم پیمان گشته است.

در ترجمه ام اتّخذ عندالرحمن عهداً: ترجمه با خدا هم پیمان گشته مناسب‌تر است زیرا شدت هم‌پیمانی و حمایت الهی را بیشتر منتقل می‌کند.

آیه ۸۹: لقد جئتم شیئاً اِدّاً:

ترجمه آقای خرمشاهی: به راستی که ادعای شگرفی پیش آوردید.

ترجمه حسینی: به راستی که چیز (سخن) زشتی را ادعا کردید

در ترجمه فوق معنای(اِدّ) زشتی و منکر و شنائت است بنابراین مناسب‌تر آن است که (سخن زشت) معنا گردد نه شگرف.

آیه ۹۶: اِنَّ الذّین آمَنوا و عَمِلو الصالحات سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحمنُ وُدّاً

ترجمه آقای خرمشاهی: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، زودا که خداوند رحمان در حق آنان مهربانی کند.

ترجمه حسینی: بی‌گمان آن کسانی ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خداوند رحمان محبتشان را در دل خلق می‌افکند .

۱- در ترجمه فوق معنای تاکیدی اِنَّ لحاظ نشده که با آوردن کلمه بی‌گمان این نقیصه رفع خواهد شد.

۲- در قسمت پایانی آیه، خداوند فرموده: سیجعل لَهُمُ الرحمنُ وُدّاً با توجه به اینکه رحمن فاعل است و ضمیر هم در لَهُم به مومنین بر می‌گردد لذا شایسته است ترجمه به گونه‌ای مناسب‌تر عرضه شود که با محتوای آیه همخوانی داشته باشد لذا این ترجمه صحیح‌تر است که گفته شود خداوند رحمان محبتش را در دل خلق می‌افکند.

منابع:

ترجمه قرآن کریم ،بهاءالدّین خرّمشاهی

ترجمه قرآن کریم ،محمّد مهدی فولادوند

ترجمه قرآن کریم ،عبدالمحمّد آیتی

ترجمه قرآن کریم ،سید جلال الدّین مجتبوی

ترجمه قرآن کریم ،ناصر مکارم شیرازی

ترجمه قرآن کریم ،محمّد کاظم معزّی

ترجمه تفسیری قرآن کریم ،ابوالفتوح رازی

ترجمه تفسیری قرآن کریم ،رشیدالدّین میبدی

ترجمه تفسیری قرآن کتاب بیان السّعاده فی مقامات العباده ،رضا خانی و حشمت الله ریاضی

تفسیرالمیزان،سیّد محمّد حسین طباطبایی

جامع التّفاسیر نور۲ ،مرکز کامپیوتری نور